

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



عنوان و نام بدیدآور: دوستی؛ مهارت‌ها و ظرایف/ گردآورنده
 معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی [آستان قدس رضوی].
 مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
 شابک: 978-600-6543-75-8

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: دوستی (اسلام)

شناسه افزوده: آستان قدس رضوی، معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی

رده بندی کنگره: BP/۲۵۴/۱۳۹۱۲/۹د

رده بندی دیوبی: ۶۵۲/۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۶۸۲۶۸



دوستی، مهارت‌ها و ظرایف → ۳۸

نویسنده: سید محمود مرویان حسینی

آستان قدس رضوی

چاپ هشتم: پاییز ۱۳۹۱ (ویرایش جدید)

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

نشانی: حرم مطهر امام رضا علیه السلام، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی

تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲ rahnama@aqrazavi.org

به کوشش محمدحسین پورامینی

ویراستار: محمدمهدی باقری

طراح جلد: علی بیات

طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





پرسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیش رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





دوستی، مهارت‌ها و ظرایف

پرسش‌های زیر را در این نوشتار، پاسخ می‌گیرید:

۱. دوست چه آثاری در شخصیت آدمی دارد؟
۲. چه اصولی را در گزینش دوستان خود، در نظر داشته باشیم؟
۳. دوستان خود را چگونه بیازماییم؟
۴. با چه کسانی دوست شویم؟
۵. دوستی‌های ممنوع کدامند؟
۶. نسبت به خطاهای دوستان خویش چگونه برخورد نماییم؟
۷. دوستان چه حقوق و وظایفی نسبت به هم دارند؟



۱. درآمد

۲. تعریف دوستی

اسلام اجتماعی‌ترین آیین توحیدی است و قرآن بر گسترش ارتباط میان اعضای جامعه دینی، تأکیدهای فراوانی دارد. البته، ارتباط پایدار و سازنده در گرو تأمین برخی پیش‌نیازها و مراقبت‌هاست:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (= ای مؤمنان، استقامت [در راه دین‌داری] کرده، یکدیگر را تحمل کنید و با همدیگر، ارتباط برقرار سازید...)^۱
 از نظر قرآن، مؤمنان با یکدیگر برادرند؛^۲ یعنی نسبت به همدیگر مسئول و دلسوز و صمیمی هستند؛ قرآن، حتی، پیامبران الهی عليه‌السلام را نیز برادر مردم^۳ دانسته است. این، بالاترین نماد دوستی در جامعه دینی است و کارکردهای بسیار مهمی در فرایند جامعه‌سازی دارد.

۱. آل عمران/۲۰۰.

۲. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾، حجرات/۱۰.

۳. ﴿إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ﴾، شعراء/۱۰۶ تا ۱۲۴ و ۱۴۲.

گرچه، دوستی نیاز طبیعی انسان و مقتضای زندگی اجتماعی بشر است و همواره، در جوامع گوناگون، بروز و ظهور داشته است، دین به‌نحو شایسته‌ای آن را برای تقویت بنیادهای جامعه، جهت‌دهی کرده و از اولویت‌های اساسی دانسته است.

فرصت‌های دوستی، عرصه طبیعی انتقال فرهنگی و تبادل اجتماعی است و انسان‌ها با گسترش دوستی‌هایشان، توسعه شخصیتی می‌یابند. ارزش‌ها و هنجارها، همچنین ضد ارزش‌ها و نابهنجاری‌ها، در فضاهای دوستی به سهولت و گاه ناخودآگاه، منتشر و منتقل می‌شود؛ از این‌رو، حکومت‌ها و جریان‌های قدرت با کمک ابزارهای رسانه‌ای، فرهنگ دوستی جامعه را شکل می‌دهند تا جامعه‌پذیری مطلوب خویش را فراهم آورند.

اسلام، به‌خوبی، اهمیت و تأثیر شگرف فرصت‌های دوستی را در نظر دارد. این دین در آموزش‌ها و سنت‌های خود و همچنین، در سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام، فرهنگ کاملی از مسائل مربوط به پدیده دوستی ارائه کرده و کوشیده است تا با ارائه آموزه‌های علمی و عملی دوستی



در جامعهٔ دینی، به مناسب‌سازی روابط ایمانی در جامعهٔ اسلامی، از یک‌سو، و رشد همه‌جانبهٔ اخلاق و تربیت در افراد، از سوی دیگر، دست یابد.

روابط صمیمانه و داوطلبانه را در بین افرادی که علایق مشترک، منافع مشترک و نیز فرهنگ مشترک داشته باشند، دوستی محسوب می‌کنند.

۳. آثار شگرف دوستی در شخصیت آدمی

دوستی و دوستان، تحمّل‌پذیری آدمی را در برخورد با سختی‌های زندگی بالا می‌برند. روابط دوستانه باعث می‌شود تا انسان احساس کند که به گروهی تعلق دارد و چنین عضویتی امتیازهای خاصی دارد: از جمله، اتحاد آمیخته با اعتماد؛ یعنی پیوندی که در صورت لزوم و در هنگام بروز مشکل، می‌توان بدان تکیه کرد.

همچنین، دوستی موجب ثبات هیجانی انسان می‌شود و به او کمک می‌کند که موقعیتش را در برابر دیگران درک کند؛ یعنی عکس‌العمل و برخورد دوستان درمقابل گفتار، رفتار و عواطف آدمی، به شناخت حقیقی او از خود و تشخیص درست و نادرست و بالاخره، به تعدیل و تصحیح شخصیتی منجر می‌شود و درنهایت، تحکیم و توسعه توانایی‌های فرد را برای مقابله با مشکلات و حوادث دنیا موجب می‌شود.

کارکرد دیگر دوستی، تبادل اطلاعات و توانمندی‌ها با یکدیگر و سهیم‌شدن در تجربه دیگران است. نیز، دوستی فرصتی است برای افراد تا به دیگران یاری رسانند و نقش مثبت

و سازنده خویش را در توسعه اجتماعی فرزندان، ادا کنند. انسان با این عمل، هم خودش احساس عزت نفس می‌کند و هم در فرایند رشد شخصیتی دیگران، مداخله شایسته می‌کند. دوستی، یعنی دوستی خردمندانه، فرد را به جمعیت تبدیل می‌کند و حرکت می‌آفریند و نقش اصلاح‌گرایانه و کمال‌بخش ایفا می‌کند.

با این نگاه است که دوستی و مهربانی فرد مؤمن با مؤمنی دیگر را از برترین شاخه‌های ایمان شمرده‌اند^۱ و ابراهیم علیه السلام نیز به مقام دوستی با خداوند کریم نائل می‌شود.^۲ کسی که از این فرهنگ عملی بی‌بهره باشد، از بسیاری قابلیت‌ها و شایستگی‌ها محروم شده و فردی تنها و بی‌کفایت می‌شود؛ به گونه‌ای که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره‌اش فرموده‌اند: «مؤمن، رفیق و همراه است و افراد با او انس می‌گیرند. کسی که با مردم انس نمی‌گیرد (در حلقه دوستان وارد

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *اصول کافی*، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج ۲، ص ۱۲۵.

۲. ﴿وَ اتَّخَذَ اللَّهُ اِبْرَاهِيمَ خَلِيْلًا﴾، نساء/۱۲۵.



نمی‌شود) و مردم با او انس نمی‌گیرند، سودی نیست.»^۱

رهبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله دوستی را برکتی الهی می‌دانند و می‌فرمایند: «اگر خداوند خیر کسی را بخواهد، دوست شایسته‌ای روزی او می‌کند تا که هرگاه فراموش کند، او را یادآوری و اگر به‌خاطر داشته باشد، وی را یاری کند.»^۲

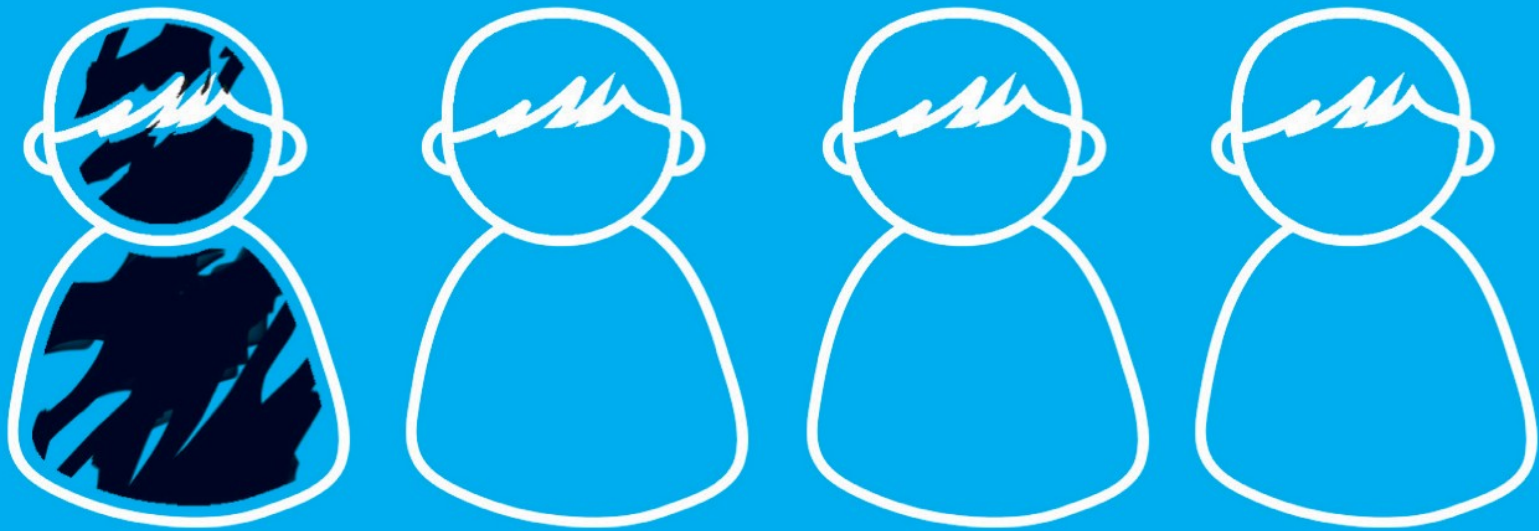
افرادی که از طرف دوستان و گروه خویش طرد شوند یا آن‌طور که انتظار دارند، به‌عنوان عضو و دوست پذیرفته نشوند، اغلب دچار تزلزل شخصیت می‌شوند، در زندگی خصوصی با تشویش و اضطراب به‌سر می‌برند و در صحنه اجتماع، موجب بروز اختلال در کارکرد جمعی می‌شوند و نابهنجاری و خشونت می‌آفرینند.^۳

۱. ملامهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۵۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۴.

۳. علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیت، ص ۲۵۴.

به‌منظور برقرار کردنِ رابطه‌ای نزدیک و مفید و پایدار، به‌اموری نیاز است: سازگاریِ دقیق و بازبینیِ مستمر و دارا بودن چند مهارت پیچیده، از قبیلِ انتخاب و گزینشِ دوستان، سنجشِ دقیقِ نیازهای دوست، اتخاذِ سبک‌های صحیحِ ارتباطِ دوستی، ابرازِ دوستی از طریقِ فعالیت‌های جسمانی و روانی، اعتمادسازی، یادگیریِ نحوهٔ هدایت و تقویتِ ارتباطِ دوستی در مسیرهای متعالی و ارزشی، نحوهٔ برخورد با آفات فضای دوستی، شناساییِ مرزهای دوستی و...



۴. اصول گزینش دوستان



دوستی سرمایه‌گذاری انسان است و دوستان، سرمایه‌های ثابت در معامله زندگی. کدام تاجر زیرک کالاهای سرمایه‌ای خویش را به تصادف و بی‌معیار برمی‌گزیند؟ کدام مسافر، بدون همسفرِ همدل، پای در راه می‌نهد؟ کدام انسان دقیقی، آینه خویش را که در آن زشتی و زیبایی خود را می‌نگرد، بدون تأمل و پرس‌وجو، تهیه می‌کند؟ کدام فرد باایمان، دین خویش را بی‌تحقیق و بدون کندوکاو، انتخاب می‌کند؟

به این سخنان رهبران دین علیهم‌السلام توجه کنید: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «نخست دوست را برگزین، آنگاه سفر کن.»^۱ نیز: «مؤمن برای برادرِ مؤمنش آینه است.»^۲ یا: «انسان بر دینِ دوست خویش است.»^۳

۱. اصول کافی، ج ۴، ص ۲۸۶.

۲. شیخ صدوق، مصادقة الاخوان، ج ۱، ص ۴۲.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۲۴.

براین اساس، پرسشی اساسی مطرح می‌شود: محور مهم در تعیینِ چگونگیِ دوستی‌ها، در هر مقطع از زندگی، چیست؟

۱.۴ دوستی برای خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ

ویژگی مهم دوستیِ سودمند، برای خدا بودن است که برای طرفین دوستی، برکت و رحمت و رضایت الهی را به دنبال دارد. دوستی برای خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ صادقانه است، نه طمع‌کارانه؛ دوستی برای خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ ارزشی است، نه ظاهری و مجازی؛ دوستی برای خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ در راه عقیده است، نه در جست‌وجوی منافع مادی؛ دوستی برای خدا عَلَيْهِ السَّلَامُ به امتداد آخرت، پایدار است، نه محدود به چند روز کوتاه این دنیا.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در این باره می‌فرمایند: «هر نوع از دوستی که بر غیر خداوند بنا شود، گمراهی



است و تکیه بر آن، ناممکن.»^۱ همچنین، می‌فرمایند: «دوستانِ خدایی، دوستی‌شان پایدارتر است، به‌علتِ پایداریِ سببِ این دوستی.»^۲

۲.۴ خردمندی و فرزانیگی

زندگی آدمی مملو از حوادث جدید است. در این حوادث، صورت‌مسئله‌هایی پیدا می‌شود که انسان تا زمان وقوعشان، آن‌ها را تجربه نکرده است و دانشِ حلّ آن‌ها را نمی‌داند. دوستانِ خردمند که گاه با هوشمندی، گاه با اندیشه‌ورزی و گاه با تجربه‌های خویش، بی‌منت و صمیمانه به انسان مشاوره می‌دهند، بهترین یاورانِ این لحظه‌ها هستند.

امام‌علی علیه السلام در این باره، چنین راهنمایی می‌کنند: «جز با خردمند پرهیزگار، هم‌نشینی مکن و

۱. محمد محمدی ری‌شهری، میزان/الحکمه، ج ۱، ص ۴۰.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۷.

جز با اندیشمند پاک‌دامن، نیامیز و رازت را جز با مؤمن وفادار، در میان منہ.^۱

۳.۴ صمیمیت و یکرنگی

بسیاری افراد زمانی که به میدان عمل و فداکاری درمی‌آیند، آرام‌آرام عرصه را خالی می‌کنند و به اصطلاح، سر خود را به درد نمی‌آورند. اینان فقط دوستان لحظه‌های کامروایی هستند. دوستی، با برخورد از موضع مساویِ دو طرفِ دوستی آغاز می‌شود و منش خودمحوری در یک سو و تابعیت از سوی دیگر، آن را فاسد می‌کند.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «بر تو باد به دوستی برادران راستین و صمیمی؛ زیرا، آنان در وقت نعمت، مایهٔ زینت و در گاهِ سختی و مصیبت، موجب حفظ آدمی هستند.»^۲

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۵.

۲. همان، ج ۷۴، ص ۱۸۷.



۵. ترسیمی نزدیک‌تر، از دوست صمیمی



دوست صمیمی کسی است که بیش از دیگران، قدر و ارزش دوست خود را می‌داند و برای حفظ دوستی‌شان تلاش می‌کند. او به‌خوبی می‌داند که دوستش نه فرشته است و نه پیامبر؛ بلکه بشری است همانند دیگران، اما کمی بهتر؛ بنابراین، اگر به عیب او واقف شد، رازدار است و عیب‌پوش. اگر دوستش لغزشی کرد، عذرپذیر است و اهل بخشش. این خصوصیات، دوستی را لطیف و خاطره‌کرامت و بزرگواریِ دوست را بزرگ و ماندگار می‌کند.

دوست یکرنگ و صمیمی کسی است که به این رهنمود امام‌باقر علیه‌السلام در ذهن و ضمیر خویش جامه‌ عمل پوشیده باشد: «برادر مسلمان خود را دوست بدار. آنچه برای خود دوست می‌داری، برای او دوست بدار و هر آنچه برای خودت ناپسند می‌شماری، برای او هم ناپسند بشمار. هرگاه نیاز پیدا کردی، از او بخواه و اگر از تو چیزی خواست، به او بده. هیچ خیری را از او باز مدار، پس او نیز از تو باز نمی‌دارد. اگر حضور یافت، او را دیدار کن و وی را بزرگ و گرامی بدار؛ چه، او از تو و تو از او بی و اگر بر تو خشم گیرد و از تو جدا شود، از او جدا شو و بگذار تا کینه‌ او



۲۵

دوستی، مهارت‌ها و ظرایف

تسلّی یابد...»^۱

شخصی با چنین روحیه‌ای، گوهری است گران که شایسته دوستی است و فداکاری؛ و همراهی با او سرمایه‌ای است ارزشمند.

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۰.



۶. آزمون دوستی



هر گزینشی مبتنی بر نوعی ارزشیابی و تشخیص معیارها بر مصادیق است و بهترین راه آن، آزمون است. امتحان، عرصه‌ای است که سیره را از ناسیره جدا می‌کند و طی آن، مدعیان دروغین رنگ می‌بازند و از یاران راستین، برکنار می‌مانند. امتحان فرصتی است تا آدمی دریابد که سرمایه بزرگ محبت قلبی و همراهی و یاورِ خویش را به چه کسی باید تقدیم کند. دوستی ناصحیحی که زایشگاه کینه و عداوت است و در باطن، جز تخم نابکاری و سیه‌رویی نمی‌پاشد، همان به که از آغاز، جان نگیرد و ادامه نیابد.^۱

این آزمون گاه طلای ناب برخی را می‌شناساند و انسان را وامی‌دارد که این دوستی را سخت پاس دارد، آن سان که امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «کسی که در راه خدا، دوستی به دست آورد،

۱. چه اینکه قرآن درباره برخی به ظاهر دوستان در عالم آخرت، تعبیر عدو (دشمن) به کار می‌برد؛ مگر آنان که دوستی را بر پایه‌های تقوا بنیاد کرده باشند: ﴿الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ﴾، زخرف/۶۷.

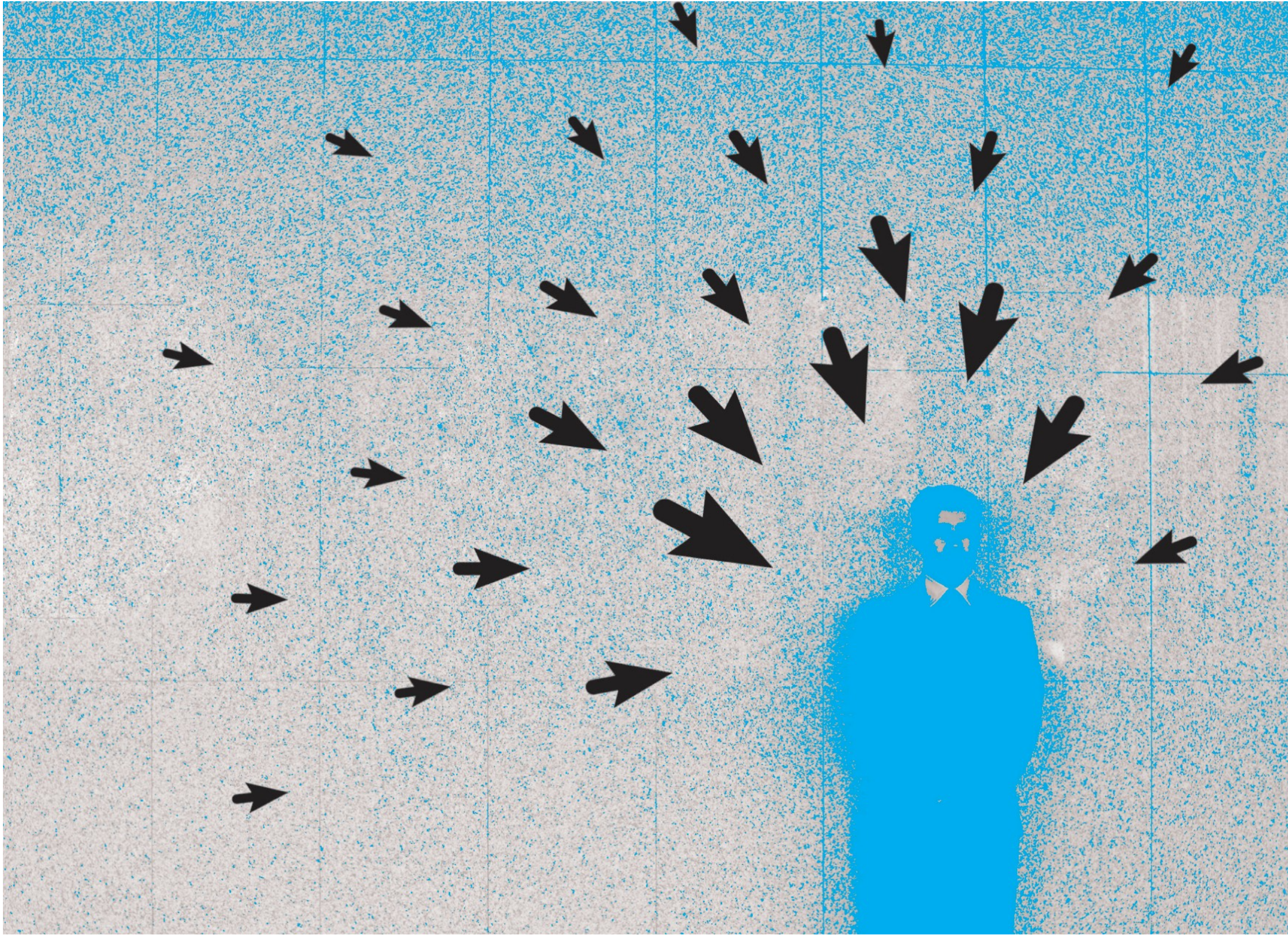
غرفه‌ای در بهشت کسب کرده است»^۱ و گاه باطن مسموم برخی را هویدا می‌سازد، تا آنجا که پیامبر ﷺ می‌فرمایند: «تنهایی، بهتر از دوست بد است.»^۲

پس، این سخن امام مؤمنان، علی علیه السلام، را سخت دریابیم که می‌فرمایند: «پیش از آزمایشِ دوست، به او اعتماد مکن.»^۳

۱. عزیزالله عطاردی، *تسند الامام الرضا علیه السلام*، ج ۱، ص ۲۹۹.

۲. *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۱۹۹.

۳. *میزان الحکمه*، ج ۴، ص ۳۶۱۳.



۷. روش‌های امتحان دوست



۱.۷ روش قلبی

محبت رمزی است در دل. البته، اشاره‌های هیجانی و غریزیِ دل با انگیزه‌های راستینِ عاطفی تفاوت فراوانی دارد و تشخیص هریک، نیازمند به تأمل در درون و کاوش نفس و گاه، مشاوره با نیکان است. مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: «کسی به من اظهار دوستی می‌کند. از کجا بدانم که او به‌راستی مرا دوست دارد؟» امام پاسخ دادند: «دلت را بیازمای: اگر او را دوست داری، او نیز تو را دوست دارد.»^۱

۲.۷ روش مقایسه‌ای

دوست آن است که در مقایسهٔ دیگران، دوست خود را ترجیح دهد و هم‌نشینی با او،

۱. بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۷۲.

خشنودی او و همراهی او را بر دیگران بپسندد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «دوستِ دل‌داده، کسی است که سه خصلت داشته باشد: سخن دل‌دارش را بر سخن دیگران برگزیند و هم‌نشینی دوستش را بر هم‌نشینی دیگران و خشنودی حبیبش را بر خشنودی دیگران.»^۱

۳.۷ روش استمدادطلبی

دوستانِ «گیرنده» در هنگام آسایش، فراوان‌اند، اما دوستِ «دهنده» و به‌هنگام سختی و تنگنا، اندک! امام صادق علیه السلام در این باره، چنین رهنمود می‌دهند: «دوست به سه چیز آزمایش می‌شود که اگر در آن‌ها میل و توفیق داشت، دوستی پاک و راستین است؛ وگرنه، دوستِ زمان رفاه و آسایش است، نه دوستِ روزگار سختی: از او مالی بخواه، او را بر مالی امین گردان، از او



بخواه در ناراحتی تو مشارکت کند.»^۱

امام علی علیه السلام نیز می‌فرمایند: «چه بسیارند دوستان، هنگامی که آن‌ها را شمارش می‌کنی؛ اما به گاه گرفتاری‌ها، اندک‌اند.»^۲

۴.۷ روش هیجان‌آفرینی

هیجانات زمینه بروز مکنونات است: در هیجان، حقایق باطنی از ناخودآگاه روان انسان بر ذهن و ضمیر جاری شده، سپس در رفتار نمایان می‌شود. هر انسانی به گاه خشم، چهره واقعی‌اش برای دیگران آشکار می‌شود. کم نیستند دوستانی که در لحظه خشم، از نفرت‌های ذخیره‌شده خویش سخن گفته‌اند و ناسزاها نثار دوست خود کرده‌اند.

۱. همان، ج ۷۵، ص ۲۳۵.

۲. همان، ج ۷۸، ص ۱۰.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «هرگاه بخواهی صحت ادعای دوستت را درباره خودت بدانی، او را خشمگین کن؛ چنانچه بر دوستی تو پایدار ماند، او دوست توست و در غیراین صورت، نه.»^۱

۵.۷ روش طبیعی

طبیعت، مسافرت و فضاهاى زندگى، محیط‌هایی است که در آنها لباس تکلف و ریا و ظاهر فریبی از تن و روان آدمی بیرون می‌آید و می‌توان صحت یا بطلان ادعاهای دوست را در روندی همه‌جانبه، ارزشیابی کرد و بدین صورت، امکان شناختی نزدیک‌تر برای انسان فراهم می‌آید. در این باره نیز امام صادق علیه السلام چنین راهنمایی می‌کنند: «کسی را دوست مگو و او را آشنا بگو، مگر آنکه... با او سفر کنی [و در سفر، او را دوست بیابی].»^۲

۱. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ص ۳۷۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۰.



۸. دوستی‌های ممنوع



دوستی فرصتی طلایی است که می‌تواند به نعمت تبدیل شود و سرمایه‌سازی کند و نیز، می‌تواند سرمایه‌سوزی هم بکند و آسیب‌های گوناگونی بیافریند. در برخی روایات، چهار الگو برای دوستی ممنوع عنوان کرده‌اند: فرد احمق، بخیل، بدکردار، دروغ‌گو.

امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسن علیه السلام، چنین توصیه می‌کنند: «از دوستی با احمق بپرهیز؛ چه، او می‌خواهد به تو سود رسد، لیکن به تو ضرر می‌رساند. از دوستی با بخیل دوری کن؛ زیرا او آنچه از هر چیز دیگر بدان محتاج‌تری، از دسترس تو دور می‌کند. از دوستی با فاجر (بدکار) بپرهیز؛ چه اینکه او تو را در برابر اندک چیزی می‌فروشد و زنهار از دوستی با دروغ‌گو؛ چه، او همچون سراب است: دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می‌دهد.»^۱

امروزه، کوچه و خیابان، گاه شاهد جوانه‌های مسموم دوستی‌های دختر و پسر است.

۱. حکم الامام علی علیه السلام، ج ۱، ص ۳۱۸.

دوستی‌های خیابانی به عشق‌های خیابانی منجر می‌شود و در ادامه، چه سوءاستفاده‌ها و بی‌حرمتی‌ها، هوسرانی‌ها و وعده‌های توخالی، اخاذی‌ها و سرکیسه‌کردن‌ها و تجاوز و تعدی کردن‌ها و ناامیدی‌ها و افسردگی‌هایی برجای می‌گذارد.

تردیدی نیست که عشق سرمایه بزرگ انسانی و نعمت والای الهی است و تمایل به جنس مخالف، در دوران نوجوانی و جوانی، کشش درونی و طبیعی آدمی است؛ اما انسان خردمند در این عرصه، به کنترل و مدیریت هیجانات خویش توجه جدی می‌کند: شهوت جنسی را مبنای دوستی خویش قرار نمی‌دهد؛ با خودآرایی و پیکر‌نمایی، روان آرام جوان مقابلش را طوفانی و آتشین نمی‌کند؛ با دلبستن‌ها و شیفتگی‌ها و تجربه عشق‌های کوتاه خیابانی و جذابیت‌های گوناگون دنیایی، سرمایه پایدار خویش را قطعه‌قطعه، در کام دیگران نمی‌گذارد و پس از مدتی بی‌قراری و دل‌فریبی، خسته و وامانده، سرمایه سوخته و حیثیت بر باد داده نمی‌شود؛ اگر احساس می‌کند که هنگامه عشق جاودانی‌اش فرارسیده است، تلاش می‌کند در سیری



جدّی و همه‌جانبه، هم‌پای لحظه‌های تلخ و شیرین همه زندگی‌اش را برگزیند و می‌کوشد تا اولین نگاه عاشقانه و جلوه‌آفرینی‌ها و دلدادگی‌هایش در آغوش فضای مقدس ازدواج و خانواده آسمانی‌اش، اتفاق افتد و ساحتی دیگر از دوستی را تعالی بخشد.

۹. شیوه برخورد با خطاهای دوست



خطا در عرصه دوستی، امری گریزناپذیر است و هر زمین خوردنی، فرصتی برای تقویت و برخاستن بعدی. انتظارِ مطلقاً بی‌اشکال بودن در میدان دوستی، خود، خطاست؛ هم بزرگ کردن اشتباهات، نادرست است و هم، چشم‌پوشی از آن‌ها. بهتر این است که خطاها را به‌دید بیماری‌های درمان‌پذیر ببینیم.

نگاه نخستِ هر فرد باید به خود باشد و در جست‌وجوی مشکلات و عیب‌های خویش. امام‌علی علیه‌السلام در این باره می‌فرمایند: «خوشا به حال کسی که [توجه به] عیب خودش، او را از توجه به عیوب دیگران باز داشته است.»^۱ با این نگاه، آرام‌آرام، خودپسندی جای خویش را به واقع‌نگری می‌دهد و انسانِ مُنصف به‌جای توجیه خویش، زبان به اعتراف و اعتراض بر خود می‌گشاید و راه توبه او باز شده و از خطاهای خود در نزد دوستان، عذرخواه می‌شود و این، آغاز

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳.

یک فرهنگ ارزشی اجتماعی می‌شود؛ دوستان او نیز منعطف می‌شوند و حق‌به‌جانب گرفتن‌ها به‌کنار می‌رود و حق‌جستن‌ها آغاز می‌شود.

مباد که کسی در جست‌وجوی عیب دیگران برآید که امام‌باقر علیه‌السلام می‌فرمایند: «اگر بنده‌ای با دوست خود طرح برادری بیفکند و سپس، در جست‌وجوی خطاها و لغزش‌های او برآید تا روزی آن‌ها را به رُخس کشد، بیش از هر وقت دیگر به کفر نزدیک شده است.»

دوست شفیق را که از هر گوهری کمیاب‌تر است، باید حفظ کرد و راه آن، آمیزه‌ای از کرامت، تغافل (چشم‌پوشی از برخی خطاها) و نیز نصیحت خردمندانه، به‌همراه خواستن از خدا عزوجل می‌باشد.

در اصلاح رفتار نامطلوب دوست، بُردباری و دقت، شرط اول است و آشنایی با روش‌های تأثیرگذاری، گام بعدی. می‌توان گفت: «من طور دیگری فکری می‌کنم»، «آیا به‌نظر شما، اگر این‌طور انجام می‌دادی، بهتر نبود؟»، «بگذار حقایق را با هم بررسی کنیم»، «سخن تو البته



توجیه کردنی است، اما اینجا نظر دیگری هم وجود دارد»، «برخی هم این گونه می‌اندیشند که...»

باین همه، برای تغییر رفتار باید انتظار کشید و صبور بود و درعین حال، از تحقیر و توهین یا قهر و محروم‌سازی از محبت نیز باید اجتناب کرد. گاه، سخن‌نگفتن و زمینه‌سازی برای تأثیرگذاری در میدان عمل یا موانع را به تدریج برطرف کردن، از بسیاری توصیه‌ها و اندرزهای گفتاری سودمندتر است. بهره‌گیری از عناصری همچون تشویق، تنبیه (به معنای محروم‌ساختن از محبتی اضافی و نه تنبیه جسمی)، فضا‌سازی و تغییر فضا‌های مشکل‌زا، القای مطالب در قالب داستان و کنایه، تقدیر از رفتارهای شایسته، جلوه‌آفرینی الگوها و مدل‌های مثبت، طرح پرسش‌های تنبّه‌آفرین و مانند آن، در این مرحله کارگشاست.

۱۰. حقوق متقابل دوستان



دوستی «ساختن» است؛ پس مهارت است و هنر می‌طلبد. بنای دوستی به سرعت، زاده نشده و به زودی، ویران نمی‌شود. این پدیده اجتماعی بر ارکانی بنا شده است که همان حقوق متقابل دوستان بر یکدیگر است. هر کسی در ادای این حقوق بکوشد، پس از مدتی گلستانی می‌شود، پُر از پروانه‌ها و اگر در این وظیفه کاهلی کند، دیری نمی‌پاید که همانند ریگستانی شود، محل بادها و خارها.

در بحث حقوق متقابل دوستان، نیازهای شخصیتی انسان را در هر سه حیطه، بررسی می‌کنیم:

۱.۱۰ حقوق عاطفی در بین دوستان

۱.۱.۱۰ سلام، مصافحه (دست‌دادن)، معانقه (روبوسی)، همراه با تبسم

هیچ دری بدون کلید باز نخواهد شد؛ کلید دوستی سلام است. دوستی ماندگار نیازمند شروعی خوب است که سلام آن را فراهم می‌کند و ثبات عاطفی فرد مقابل را تقویت می‌کند.



پیام‌آور رحمت، حضرت محمد ﷺ، همواره در سلام‌دادن بر یارانشان پیشگام بودند و به دنبال آن، با ایشان دست می‌دادند و هیچ‌گاه دستشان را پیش از دیگری، بیرون نمی‌کشیدند^۱ و می‌فرمودند: «دست‌دادن با یک مؤمن، برتر است از دست‌دادن با ملائکه»^۲ ایشان دیگران را بر این عمل توصیه کرده و حکمت آن را این‌گونه بیان می‌کردند: «مصافحه، کینه را از میان می‌برد»^۳

اقدام به دست‌دادن، از سوی هر کسی که می‌خواهد باشد، چه بزرگ‌تر یا کوچک‌تر، دلیل بر علاقه و فراهم کردن زمینه مناسب برای دوستی و رابطه است؛ گرچه در برخی گروه‌های اجتماعی، رسم بر این است که دست‌دادن با جوان‌ها از طرف پیران آغاز می‌شود، به‌نظر می‌رسد هیچ اشکالی نداشته باشد که نوجوان و جوان به‌عنوان اظهار علاقه، در دست‌دادن، بر

۱. همان، ج ۶۸، ص ۱۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۳.

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۵.



پیران سبقت بگیرند.

از این روست که ابو عبیده، از یاران امام باقر علیه السلام می‌گوید که در سفری در خدمت امام بودم. ایشان هرگاه برای نیازی از مرکب خود پایین می‌آمدند یا بر آن سوار می‌شدند، با من مصافحه می‌کردند و پس از مدتی، باز اگر به دنبال کار دیگری می‌رفتند و برمی‌گشتند، دوباره با من مصافحه می‌کردند و در تمام سفر، این چنین بودیم. به امام گفتم: «گویا شما از این عمل منظوری دارید؟» ایشان فرمودند: «آری؛ هرگاه مؤمنی با مؤمنی مصافحه می‌کند، بدون گناه از یکدیگر جدا می‌شوند [و با این عمل، خداوند گناهانشان را می‌بخشاید].»^۱

معانقه (روبوسی) بخشی دیگر از رابطه عاطفی و صمیمانه بین دو دوست است. آدمی هنگامی که دیدار خود را با دوست به بوسه بیاراید، به همه آثار محبت و تأثیر عمیق آن در

۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۹.

توسعه روابط انسانی و اخلاقی دست می‌یابد. بهترین جایگاه بوسیدن، میان دو چشم، یعنی موضع نور در پیشانی است. حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به پسرش امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: «فرزندم، هرگاه مؤمنی را دیدی، موضع نور در پیشانی او را ببوس.»^۱ البته که پیشانی مؤمن، شایسته بوسیدن است؛ چه، این موضع، جایگاه سجده در برابر خالق متعال است.

این همه، با تبسم و گشاده‌رویی جلوه‌ای دیگر می‌یابد. بیشترین عامل محبوبیت انسان در بین یاران و بزرگ‌ترین وسیله نزدیکی دل‌ها، تبسمی از سر محبت و خیرخواهی، و البته نه تصنعی و دام‌افکنانه، است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمودند: «شما هرگز نمی‌توانید با امواتان مردم را به سوی خود جذب کنید؛ پس، با گشاده‌رویی و خوش‌خویی، آن‌ها را دیدار کنید.»^۲

اصحاب گفته‌اند که هیچ‌کس را ندیدیم که بیشتر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تبسم بر لب داشته

۱. همان.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۰۳.

باشد.^۱ امیرمؤمنان، علی علیه السلام، فرموده است: «خوش‌رویی کمند محبت است.»^۲ درمقابل، ترش‌رویی و گرفتگی، در دور کردنِ دل‌ها از یکدیگر و قطع پیوندهای دوستی، بی‌نهایت مؤثر است. امام باقر علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند: «ترش‌رویی و گرفتگی، سبب دشمنی و دوری از خداست.»^۳

۲.۱.۱۰ پرس‌وجو از احوال دوستان

یکی از اسرار دوستی به‌خاطر داشتنِ نام دوستان است. نخستین نشانه‌های شخصیت، با نام هر کس پدیدار می‌شود. مردم شیفته نام خود و وابستگان خویش هستند، به‌ویژه اگر از نام شایسته و زیبایی برخوردار باشند. از قدیم، افراد کوشیده‌اند به هر ترتیب ممکن، نام خود را جاودان سازند؛ از این‌روست که این‌همه وقف‌ها و آثار از گذشتگان باقی مانده است.

۱. همان.

۲. عبدالواحد آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ج ۲، ص ۲۴.

۳. *بحار الانوار*، ج ۷۵، ص ۱۷۶.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «هرگاه یکی از شما با کسی پیوند برادری و دوستی برقرار کرد، از نام او و نام پدر و قبیله و منزلش بپرسد؛ چه، این امر از حقوق واجب و باعث صفای برادری است، و گرنه دوستی آن‌ها احمقانه است.»^۱

۳.۱.۱۰ احترام گذاشتن به دوستان

در کلمات بزرگان دینی، یکی از حقوق عرصه دوستی، احترام گذاشتن به شایستگی‌های دوست است؛ تا آنجا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «کسی که برادر مسلمانش نزدش بیاید و او را احترام کند، چنان است که خداوند را احترام کرده است.»^۲

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرمود: «اصحاب و یاران خود را بزرگ بشمارید و آنان را احترام کنید، به یکدیگر هجوم نبرید و زیان نرسانید و حسد نورزید. از بخل پرهیزید و بندگان مخلص

۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۴۶.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۶.



خداوند باشید.»^۱

۴.۱.۱۰ شادی آفرینی برای دوستان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «هر کس برادر دینی خود را با چیزی که موجب خوشحالی او می‌شود، دیدار کند تا او را شاد سازد، خداوند در روزی که او را دیدار می‌کند، شادمانش خواهد ساخت.»^۲

درس آموزی از الگوهای جاودان دینی به انسانِ فکور می‌گوید که بایسته است با دوستان مؤمن، با چهره‌ای بشاش و خرامان روبه‌رو شد، گرچه حزنی در دل باشد.^۳ این شادی آفرینی هم در فرد مقابل، امیدواری و نشاط و هیجان مثبت و تعادل عاطفی به وجود می‌آورد و هم در کاهش فشارهای اجتماعی مؤثر می‌باشد. به علاوه، باز خورد و تأثیر عکس‌العملی شادی آفرینی،

۱. محمد بن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۴۰۶.

۲. *نهج البلاغه*، تصحیح شیخ محمد عبده، حکمت ۳۳۳، ج ۴، ص ۷۸.

۳. همان.



به خودِ فرد باز می‌گردد و بهره‌وری ایجاد می‌کند.

۲.۱۰ حقوق شناختی در بین دوستان

۱.۲.۱۰ اعتمادآفرینی در فضای دوستی

دوستی به اعتماد از جانب هر دو طرف نیاز دارد و در گروِ زمان است. برای اینکه آدمی اعتماد کسی را به‌خود جلب کند، باید نخست نشان دهد که درخورِ اعتماد و اطمینان اوست و اوست که باید در این باره، فرد را تأیید کند. در این صورت، به تدریج، ریشه‌های خوش‌گمانی به یکدیگر جوانه می‌زند و میوهٔ همدلی به‌بار می‌نشیند. آمیختگی دو روح و نزدیکی دو قلب، آنگاه است که بدگمانی، جای خود را به خوش‌گمانی بدهد. البته گذشت زمان، اعتماد افراد را به یکدیگر بیشتر می‌کند و دوستی، خود، دوستی می‌آفریند.

مولای متقیان، علی علیه السلام، چنین هشدار می‌دهند: «[مراقب باش] بدگمانی، روش تو را نسبت



به دوستی که به صلاحیت او یقین داشته‌ای، تباه نکند.»^۱

۲.۲.۱۰ آگاه کردن دوست، از محبت خود به او

محبتِ مخفی مانند آتش زیر خاکستر است که وجود دارد، اما کسی آن را نمی‌بیند. البته به خوبی باید دقت کرد که دوستی با پاکان، عشق به فضیلت‌ها و ارزش‌هاست و این عشق معنوی، به شدت، با اوج احساسات شهوانی و فوران شهوت جنسی متفاوت است. جوانی که با دیدن رویی زیبا بر خود می‌لرزد و دست از عقل می‌شوید و به رفتارهای توجیه‌ناپذیر دست می‌زند، بیشتر، از غریزه و فوران احساسات متأثر است تا شورِ برخاسته از شعور.

دوستی با پاکان به تدریج انسان را پخته‌تر، کامل‌تر و بی‌عیب‌تر می‌سازد و بارقه‌ای از بهشت است که گرمای آن، نور و حرارت حق را به انسان می‌چشانند؛ اما عشق‌های خیابانی و نیم‌روز،

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۲۶۴.



آدمی را حریص، کج‌رفتار، تهی از درون و خودباخته بار می‌آورد و سپس، بی‌هویتی و انحرافات بعدی و بحران‌های متنوع... .

۳.۱۰ حقوق رفتاری بین دوستان

۱.۳.۱۰ استقبال و بدرقه دوستان

از جمله امور کوچکی که تأثیرهایی شگرف در روابط انسانی بین افراد می‌گذارد و پیوندهای دوستی را تحکیم می‌کند و آثار محبت را نمودار می‌سازد، به استقبال مسافر یا مهمان رفتن و نیز بدرقه کردن میهمان و مسافر است؛ چه، این کار، اهمیت و بزرگی او را در چشم میزبان به او می‌نمایاند. شیوه رهبران دینی نیز چنین بوده است:

امام حسن عسکری علیه السلام درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که جعفر بن ابی طالب از حبشه بازگشت، برخاستند و او را دوازده قدم استقبال کردند و بین دو

چشمِ او را بوسیدند و از شادی و شوقِ دیدار وی گریستند.»^۱ این چنین بود که در مدتی کوتاه، این ابرمرد تاریخ، دل‌های فراوانی را تسخیر کردند. درهمین راستا، امام‌رضا علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: «حق میهمان این است که در هنگام خارج‌شدن، او را تا دمِ در بدرقه کنی.»^۲

۲.۳.۱۰ توجه کردن به سخنان دوست

همه دوست دارند که سخنگوی خوبی باشند و بسیاری، به آن دست یافته‌اند؛ اما افراد اندکی ارزش گوش کردن را می‌دانند. آدمی برای سخن گفتن چندان به آموختن نیازی ندارد، اما برای گوش سپردن به سخن دیگری، محتاج آموزش و تمرین است.

دیل کارنگی در این باره می‌گوید: «اگر می‌خواهی مردم از گرد تو پراکنده شوند و هنگامی که اجتماع آنان را ترک کردی، تو را مسخره کنند، چنین باش: به کسی فرصت سخن گفتن مده؛

۱. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۹.

۲. همان، ص ۵۶۰.



پیوسته از خودت سخن بگویی؛ ضمن آنکه دیگری سخن می‌گوید، هرگاه اندیشه‌ای به ذهنت
خطور کرد، منتظر مباش تا او گفتارش را تمام کند و در نیمهٔ گفتارش، با او روبه‌رو شو...»^۱
برهمن اساس است که مولاعلی علیه السلام فرموده‌اند: «وقتی عقل کامل شد، سخن گفتن کم
می‌شود»^۲ یا اینکه فرموده است: «آن که زیاد سخن گوید، زیاد اشتباه کند و آن کس که زیاد
اشتباه کند، حیا و شرمش کم شود و کسی که حیایش کم شود، پارسایی‌اش نقصان گیرد و
کسی که پارسایی‌اش نقصان گیرد، قلبش بمیرد و داخل دوزخ شود.»^۳

۳.۳.۱۰ تحمل کردن انتقادهای دوست

بهره‌گرفتن از امکانات کار آسانی است و هر کس از عهدهٔ آن برمی‌آید، اما هنرِ زیرکان آن

۱. دیل کارنگی، آیین دوست‌یابی، ترجمهٔ محمدرضا اکبری بیرقی، ص ۱۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۹۰.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۸، ج ۴، ص ۸۱.

است که از ضرر نیز بهره می‌گیرند و این، هوشمندی و بردباری خاصی می‌طلبد. اکسیری که گرچه تحملش مشکل است، اما می‌سازد اعمال را به طلای ناب بدل می‌سازد، همان انتقاد است. کسی که از او و عملش انتقاد می‌کنند، درواقع، این ارزش را داشته است که در کانون توجه قرار گیرد؛ پس، استعدادِ رشد و بهینه‌شدن را داراست.

دوست صدیق و مُنصف، انتقادش راهنمایی است. امام‌صادق علیه السلام بهترین دوست خویش را کسی می‌داند که عیب‌های ایشان را، اگر عیبی داشته باشند، به او هدیه کند؛^۱ چراکه از ویژگی‌های انسان موفق، آن است که حالت پذیرش، خیرخواهی و انتقادپذیری داشته باشد.

۱. اصول کافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج ۲، ص ۶۳۹.

نسخه دیجیتال رهنما

مرکز پخش: مشهد مقدس، نیش ورودی باب الجواد علیه السلام

فروشگاه عرضه محصولات رضوی

تلفن: ۰۵۱۱-۲۲۸۵۲۰۴



This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.